

پیش درآمد

می‌آمد و به جاده خرمشهر - اهواز وصل می‌شود، به تصرف عراق درآمد و بخش جنوبی آن دست نیروهای ایرانی بود. بخش عمده شهر دست آن‌ها بود، اما قسمتی که به آبادان متصل می‌شود، دست سپاه خرمشهر

کارون به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. دو سوم از خرمشهر (شمالی) آن طرف رود کارون قرار دارد و یک سوم (جنوبی) این طرف در سمت آبادان است. بخش شمالی شهر که بخش اصلی شهر به حساب

در تصور عموم این‌طور ترسیم شده که خرمشهر در ۲۴ آبان ۵۹ به طور کامل سقوط کرده است؛ در صورتی که چنین چیزی اتفاق نیفتاد و عراقی‌ها هرگز موفق به تصرف کامل خرمشهر نشدند. خرمشهر به واسطه رودخانه



سیدمصطفی عمادی

بود که علاوه بر این که خرمشهر آزاد می‌شود، قدس هم آزاد خواهد شد. تا قبل از دیدار با امام، فکر می‌کردم دنیا با سقوط خرمشهر به پایان رسیده، اما بعد از دیدار با امام متوجه شدم که نه، انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است. خرمشهر آزاد خواهد شد و تمام این اتفاقات بعدها برای ما خاطره خواهد شد.

امام تأملی کرد و گفت: «شما به فکر آزادی قدس باشید. ان شاء الله قدس شریف باید آزاد بشود.» وقتی امام این را گفت، من متحیر و مبهوت شدم. با خودم گفتم: «خدایا! ما توی چه فکری هستیم و امام به چی فکر می‌کنه! سقوط خرمشهر برای ما دنیا و آخرت‌مون شده، ولی امام در فکر آزادی قدسه!» معنی حرف امام این

بعد از سقوط خرمشهر، جهان‌آرا همراه با دیگر فرماندهان به دیدار حضرت امام رفت. بعد از آن روز دیدار، خودش برایم تعریف کرد و گفت: آن روز تصور من این بود که سقوط خرمشهر، آخر دنیا است. به حدی ناراحت و عصبانی بودم که بلند شدم به حضرت امام گفتم: «آقا! شما یک فکری بکنید! خرمشهر سقوط کرد و از دست رفت!»